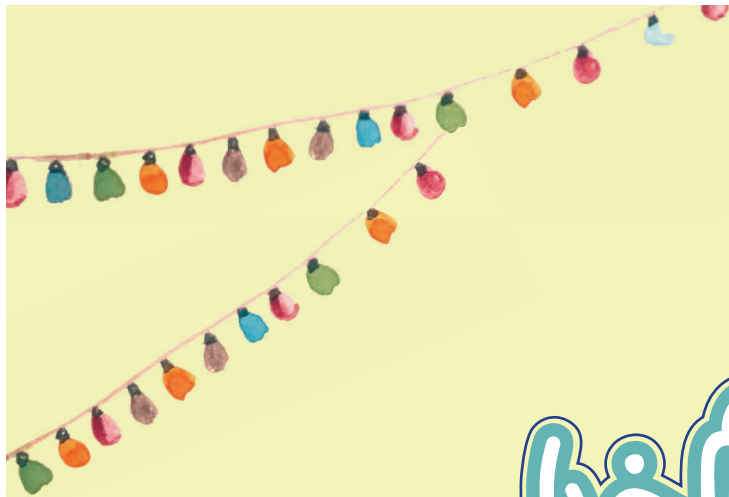




بہارِ خزاں



از مجموعه «سرزمین جاودانی من»

عروسی علی و ماه پری

شاعر: شهلا کلبعلی. تصویرگر: حلیمه پیری

این کتاب یکی از مجموعه کتاب‌های «سرزمین جاودانی من» است که به‌همت نویسندگان و تصویرگران بومی استان سیستان و بلوچستان منتشر شده است.

«سرزمین جاودانی من» پوششی دغدغه‌محور، غیرانتفاعی و مردم‌نهاد برای تدوین کتاب‌های داستان و شعر محلی و هدفمند کودکان و نوجوانان است که آثار آن سه مشخصه اصلی دارند: ۱. بومی بودن نویسنده و تصویرگر؛ ۲. محلی بودن داستان و سوره؛ ۳. داشتن پیام‌های کمک‌کننده برای پیشرفت و آبادانی همه‌جانبه ایران عزیزمان.

برای شنیدن نسخه صوتی این کتاب و آشنایی با آثار دیگر «سرزمین جاودانی من»، sjmketab.ir را در شبکه‌های اجتماعی جست‌وجو کنید یا از تارنمای sdschool.ir بازدید کنید.



عروسی علی و ماه پری

عنوان نشر: فرازنگ
شابک:

شاعر: شهلا کلبعلی،

تصویرگر: حلیمه پیری،

ویرایش: «گروه ویراستاران پوشش سرزمین جاودانی من»،

ناظر هنری: شهلا شفیعی مقدم،

طراح گرافیک: سعید سلیمی

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲. شمارگان: ۲۰۰۰ جلد چاپ و صحافی:

قیمت: تومان

نشانی انتشارات: کرمان، بعد از میدان باغ‌علی، ساختمان هموفیلی، طبقه ۱

تلفکس: ۰۳۸۶۲۴۳۳۱۹۰. همراه: ۰۳۴۳۲۲۶۱۰۴۹.

سفارش خرید: ۰۹۱۲۹۴۵۸۰۹۵ و نشانی [sjmketab](http://sjmketab.ir) در شبکه‌های اجتماعی

شهلا کلبعلی (شاعر) و حلیمه پیری (تصویرگر) ساکن شهر زابل در استان سیستان و بلوچستان هستند.

این اثر از دل یک فرایند مشارکتی تولید شده است و در تدوین آن، علاوه بر شاعر و تصویرگر (در مقام پدیدآورندگان اصلی)، یک گروه پشتیبان و تسهیل‌گر نیز در کمک به بازبینی و ارزیابی متون یا تصاویر، نقش آفرینی کردند که اسامی آن‌ها عبارت است از: زینب شهزادی (تسهیل‌گر)، هامون طهماسبی (مدیر پروژه)

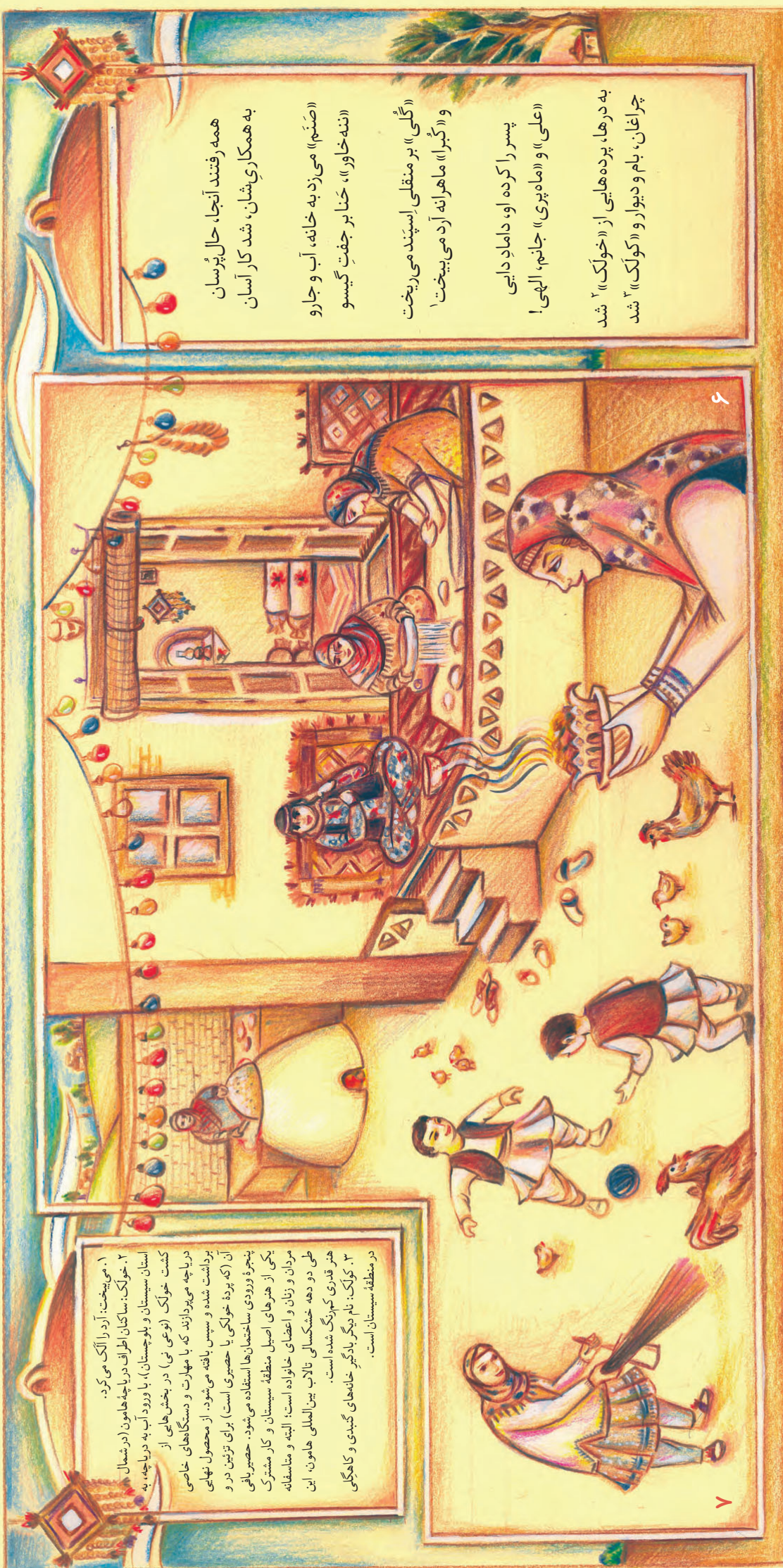
شاعر این اثر، سهم خود از عواید فروش این کتاب و نسخه صوتی آن را به نیابت از پدر و مادر مرحوم خود (زنده‌یاد غلامحسین کلبعلی و سید اشرف‌السادات رئیس‌السادات) وقف گسترش پوشش «سرزمین جاودانی من» کرده است.

عروسی بود آبادی بالا
عروسی در سرای حاجی میرزا
به سقف گنبدی، آویز، اسپند
از آن وصلت، همه بودند خُرسند

۲۴

«حسن» می کرد خبر، همسایه‌ها را
«محمد» قوم و خویش و آشنا را
«علی حیدر شایبک میرداد»
شده بر دختر دائیش، داماد
عروشن، «ماه‌پری»، دُخت «قمر» شد
دُر و همسایه و فامیل، خبر شد

۲۵



همه رفتند آنجا، حال پُرسان
به همکاری‌شان، شد کار آسان
«صَم» می‌زد به خانه، آب و چارو
«ننه‌خاور»، خنابر جفتِ گیسو
«گُلی» بر منقلی اسپند می‌ریخت
و «گُبرا» ماهرانه آرد می‌بیخت
پسر را کرده او، دامادِ دایی
«علی» و «ماه‌پری» جانم، الهی!
به درها، پرده‌هایی از «خولک»^۱ شد
چراغان، بام و دیوار و «کولک»^۲ شد

۱. می‌بیخت: آرد را آگ می‌کرد.
۲. خولک: ساکنان اطراف دریاچه‌ها (در شمال استان سیستان و بلوچستان)، با ورود آب به دریاچه، به کشت خولک (نوعی نی) در بخش‌هایی از دریاچه می‌پردازند که با مهارت و دستگاه‌های خاصی برداشت شده و سپس بافته می‌شود. از محصول نهایی آن (که پرده خولکی یا حصیری است) برای تزئین در و پنجره ورودی ساختمان‌ها استفاده می‌شود. حصیریایی یکی از هنرهای اصیل منطقه سیستان و کار مشترک مردان و زنان و اعضای خانواده است؛ البته و متأسفانه طی دو دهه خشکسالی تالاب بین‌المللی هامون، این هنر قدری کمرنگ شده است.
۳. کرلک: نام دیگر بادگیر خانه‌های گنبدی و کاه‌گیلی در منطقه سیستان است.



حنا، تزئین شده، با ثقل و پولک
هدایا، روی سینی، خوب و تگ تنک

حنابندان و جشن و شادی و سور
نوازی «آقا میرزا بیگ»^۱، از دور

گذر کردند بالبخند و تبریک
همه سرچک^۲ زنان از کوچه باریک

به سوی خانه دایی، روانه
صدای داریه^۳، قیچک^۴، ترانه

۱. آقا میرزا بیگ: ترانه‌ای سیستانی و نماد شادی که در مراسم حنابندان خوانده می‌شود.
۲. سرچک: کف زدن به گوش سیستانی
۳. داریه: نوعی ساز حلقه‌مانند چوبی که پوستی از حیوانات بر روی آن کشیده شده است و در مراسم شادی و عروسی استفاده می‌شود
۴. قیچک: آوازهای محلی استان سیستان و بلوچستان

ولی بستند در را، تا نیابند
به زحمت، درپ آن خانه گشایند
اگر طاووس خواهد، گل علی شاه
کمی زحمت کِشد، بر دیدن ماه
برای درگشودن، می سرودند
به شعری، جنگ لفظی می نمودند
هلا! «در واکنه، در واکنه» یار
حنا آورده ایم از کوی دل دار
از آن سو گفته شد: ما زن نداریم
از این سو گفته شد: قرآن میاریم



۱. در واکنه در واکنه: اشاره دارد به شعری معروف و یکی از سنت‌های مردم سیستان در مراسم حنابندان که خانواده عروس، درپ خانه عروس را محکم می‌بندند و خانواده داماد از پشت در، شعر «در واکنه در واکنه، حنا مباره بر شما را» یعنی «در باز کنید، در را باز کنید، حنا برای شما می‌آوریم» را می‌خوانند و خانواده عروس در جواب «حنا شما، مال شما / ما زن نداره بر شما» یعنی «حنا شما مال خودتان؛ ما برای شما زن نداریم» را می‌گویند و بعد از این جنگ لفظی نمادین، با بردن نام قرآن توسط خانواده داماد، خانواده عروس به آنان اجازه ورود می‌دهند.